

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۰

جمعه ۸ فروردین ۱۳۹۳، ۲۸ مارس ۲۰۱۴

تحولات جاری، نیروهای راست و نقش کمونیستها

کمونیسم باید به یک آلترناتیو قابل انتخاب از جانب
توده های انقلابی تبدیل بشود

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

وقتی زن بودن یک جرم است،

اعتراض عریان یک چالش سیاسی مهم علنی است

مریم نمازی



صفحه ۳

تشویق و اعمال میشود.
زن ایده آل از نظر اسلام،
فرمانبردار است، حجاب بسر
دارد و این "مکان" خود در
جامعه را پذیرفته است. بقیه ما
تن فروشیم و اغلب به شیرینی باز
شده تشبیه می شویم که مگس
ها برای خوردنش دور آن جمع شده
اند. ما منبع "فتنه" در جامعه
هستیم و هر مصیبت و بلای

همه مذاهب دیدی تحقیر آمیز
نسبت به زن و بدن او دارند. اسلام
متفاوت از بقیه نیست. اما به
دلیل اینکه امروز اسلام پرچم یک
جنبش سیاسی است که قدرت
دولتی را هم در دست دارد، بدن
زن، جنسیت و تمایلات جنسی
اش از سوی دولت و جریانات
اسلامی جنایی محسوب میشود
و نفرت علیه زن توسط دولت

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

مدیای اجتماعی و مدیای رسمی در
دو سوی کارزار نجات ریحانه!

"راه نور"، راه کشتار کودکان!

مبارزه علیه سنگسار:

نبردی علیه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی!

کمیته فاسدین برای مبارزه با فساد!

صفحه ۵-۶

نمیخواهند با وزارت اطلاعات درگیر شوند!

یک کمپین مهم برای نجات ریحانه و
سکوت برخی شخصیت ها و یا احزاب!

صفحه ۷



احکام اعدام در مصر

اقدامی تازه علیه انقلاب است!

باید در مقابل این تعرض

به انقلاب مردم ایستاد!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

تجمع اعتراضی برای لغو

حکم اعدام ریحانه

صفحه ۸

نمایش فیلم و پانل در شهر دوسلدرف

آلمان در مورد موقعیت زنان در ایران

صفحه ۸



تحولات جاری، نیروهای راست و نقش کمونیستها

کمونیسم باید به یک آلترناتیو قابل انتخاب از جانب توده های انقلابی تبدیل بشود

مصاحبه با حمید تقوایی

نیرو پست ناسیونالیسم گردد. می آید پست جنبش کمونیستی. که همینطور هم شد. اگر شما پرچم کمونیسم را یکجایی بلند کنید یک زیادی از آدمهایی که قبلا فکر میکردند آنها! باید از طریق رادیکالیزه کردن ناسیونالیسم به امرشان برسند می آیند و راحت در جنبش کمونیستی عضو میشوند.

فکر نمیکنم احتیاجی به توضیح بیشتر باشد. اینجا منصور حکمت هم در شیوه تبیین ارزیابی تحولات سیاسی و هم شیوه دخالتگری در آنها، خط و متد و رویکرد ویژه کمونیسم کارگری را بروشنی بیان میکند. و این دقیقا متد و رویکرد حزب ما در برخورد به تحولات جاری دنیا است.

انترناسیونال. در این تردیدی نیست که این جنبشهای اعتراضی نهایتا حاصل بحران سرمایه داری در سالهای اخیر است. اما بحران اقتصادی بلاواسطه به سیاست متصل نمیشود. جنبشها و احزاب و نیروهای سیاسی در این میان نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. سؤال اینست که دست بالا داشتن نیروهای راست در این تحولات چه تاثیری بر موضعگیری نیروهای انقلابی و کمونیستی دارد؟ مبنای موضعگیری کمونیستها در قبال این جنبشهای اعتراضی چه باید باشد؟

حمید تقوایی: به نظر من بحث قبل از اینکه بر سر موضعگیری و برخورد ما به

ادامه صفحه ۱۱

بیرون نمیدهد. خود کارگر از خودش ناسیونالیسم بیرون نمیدهد. خود کارگر از خودش رفرمیسم بیرون نمیدهد. کارگر از خودش نخواستن آن وضعش را بیرون میدهد، بطور خودبخودی. ناسیونالیسم، مذهب، رفرمیسم دیدگاهها و جنبشهای سیاسی هستند مثل من و شما که خودشان را برده اند و گذاشته اند جلوی جامعه برای اینکه بتوانند از طریق اینها مردم حرفشان را بزنند. اگر این جنبشها را بگیرد جامعه هیچ چیزی نمیتواند بگوید. ولی از طریق مذهب، از طریق ناسیونالیسم، از طریق اصلاح طلبی، از طریق لیبرالیسم سعی میکند دردش را بگوید.

شما نمیتوانید جهان را بخاطر عدم حضور خودتان ملامت کنید. اگر شما بعنوان یک جنبش سیاسی حضور ندارید که در نتیجه آن مردم به جنبش کمونیستی شما بپیوندند، نمیتوانید به آنها خرده بگیرید که چرا به جنبش فمینیستی پیوسته اند. یا چرا به جنبش ناسیونالیستی پیوسته برای اینکه دردش را بگوید. اینها جنبشهای سیاسی ای هستند که زودتر از من و شما جنبیده اند و رفته اند جلوی صحنه و انتخاب داده اند و نیازهای مردم را کانالیزه میکنند. ما این قدرت را داریم که پست این را ببینیم و بگوییم پست همه اینهایی که میبینید امیال طبقات اصلی اجتماعی را میشود دید و اگر شما این صلاحیت را پیدا کنید بعنوان یک جنبش سیاسی که بروید جلوی صحنه، او دیگر

تماما به ضعف جنبش چپ و کمونیستی مربوط میشود و نه به خصلت و مضمون این جنبشها و یا امیال راست (مذهبی و یا ناسیونالیستی و فاشیستی) توده مردم!

اجازه بدهید برای روشن شدن موضوع بخشی از سخنرانی منصور حکمت در سمینار کمونیسم کارگری (ژانویه ۲۰۰۱) را در اینجا نقل کنم. این متن چون از روی فایل صوتی بعد از درگذشت منصور حکمت پیاده شده، بوسیله او ادیت نشده است و لحن و ساختار شفاهی دارد ولی با اینهمه بطور روشنی شیوه برخورد کمونیستها به مبارزات توده ای را توضیح میدهد.

"کمونیسم کارگری چون نگاه میکند و انسانیت را میبیند که دارد با همه ابزارهایی که در دسترس او هست و شعوری که در دسترسش هست مبارزه میکند، میتواند بفهمد که پست این شعارها و فرمولها و پرچمهای متنوعی که بشریت بلند کرده واقعا چه امیالی هست. و چرا واقعا حتی بخشی از آن جنبش مال شما هست و الان پست آن پرچم است. در نتیجه رابطه ما را با احزاب، جنبشها، بخشهای مختلف و پرچمهای مختلف دگرگون میکند.

یکی گفته بود "فاشیسم و ناسیونالیسم و مذهب آشکال انحرافی اعتراض پرولتاریا" است! من برایش نوشتم نه اینطور نیست. اینها آشکال بورژوازی است برای قالب زدن به جنبشهای اعتراض کارگری. خود کارگر از خودش مذهب

درگیر در یک تحول تعیین کننده و نشاندهنده ماهیت و خصلت آن نیست. احزاب و جنبشها خالق و حتی نشاندهنده مضمون و خصلت یک تحول سیاسی نیستند بلکه بر روند و نهایتا فرجام آن تحول تاثیر میگذارند. بقول مارکس یک تحول سیاسی را، عینا مانند اشخاص، نمیتوان بر مبنای آنچه درباره خود میگوید قضاوت کرد. مثلا جنگ جهانی دوم، برخلاف ادعاها و تبلیغات دولتهای درگیر، بخاطر عروج فاشیسم در آلمان شکل نگرفت بلکه برعکس عروج فاشیسم نیز، مانند خود جنگ، یک نتیجه بحران اقتصادی و رقابت و کشمکش بین بورژوازی آلمان و بقیه اروپا بر سر تقسیم مجدد جهان بود.

در مورد انقلابات و خیزشهای توده ای هم بطریق اولی همین اصل صادق است. برای توضیح مضمون و ماهیت تحولات مصر، و یا یمن، و یا اوکراین و حتی انقلاب ۸۸ در ایران نمیتوان و نباید به سراغ غنوشیها و مورسیها و البرادعیها و موسویها و نیروهای اسلامی و ناسیونالیست و یا دولتهای غربی و نیروهای ناتو و غیره رفت. همه این نیروها در عکس العمل به تحولاتی فعال شدند و به میدان آمدند که خود خالقش نبودند. توده مردم ناراضی، و بجالش کشیده شدن دولتها بوسیله نیروی مردم، خالق این شرایط بود. اینکه چرا در این مبارزات نهایتا احزاب و نیروها راست دست بالا پیدا کردند، همانطور که بالاتر اشاره کردم،

انترناسیونال. جنبشهای اعتراضی مردم در سالهای اخیر در مصر، لیبی، اوکراین، یمن و ... موجب تحولات زیادی در این کشورها شد. در لیبی، مصر، تونس و یمن نیروهای اسلامی دست بالا را پیدا کردند و در اوکراین نیروهای فاشیست در سطح وسیعی خود را مطرح کردند. آیا باید این را بحساب ظرفیت و یا محبویت اسلام سیاسی و یا فاشیسم در بین مردم و یا در این جنبشهای اعتراضی گذاشت؟ و یا بحساب خصلت راست و عقب مانده - مشخصا مذهبی و یا ناسیونالیستی - این جنبشها و تحولات؟ دلیل این وضعیت چیست؟

حمید تقوایی: این واقعیت قبل از هر چیز نشانه ضعف و غیاب جنبش و نیروها و احزاب انقلابی و کمونیست در این تحولات است. توده مردم به حرکت در آمده در این تحولات را نمیتوان سرزنش کرد. بقول منصور حکمت "شما نمی توانید جهان را بخاطر عدم حضور خودتان ملامت کنید!" در تمام این تحولاتی که نام بردید توده های میلیونی مردم در اعتراض به وضعیت موجود و برای بزیر کشیدن دولتهایی که دیگر نمیتوانستند حکومتشان را تحمل کنند بخوابانها ریختند اما نهایتا نیروها و احزاب راست به کمک قدرتهای جهانی جلوگیری کردند و بر شرایط مسلط شدند.

در مورد خصلت این تحولات باید بگوییم که ترکیب احزاب و جنبشها و نیروهای

وقتی زن بودن یک جرم است،

اعتراض عریان یک چالش سیاسی مهم علنی است

طبیعی و فاجعه به گردن ما انداخته میشود. و البته عامل زوال خانواده و جامعه ما هستیم و مستحق مجازات، تا عزت و افتخار و ارزش های ملی و اسلامی حفظ گردد.

برای مثال، زنان معترض در میدان التحریر مصر را مورد آزمایش باکرگی قرار میدادند و خود آنها را مقصر تجاوز و آزار جنسی میدانستند. در تونس، اسلامی ها برای "تصحیح" رفتار زنان خشونت اعمال کردند. و در ایران، زنان بخاطر بی عفتی و عدم رعایت شئون اسلامی مورد تعرض و بازداشت قرار میگیرند.

ببینند و نمی توانند وای "ممه و باسن" او نظر کنند. ایده اینکه بدن زن ننگین، شرم آور، نجس، ناهنجار و مبتذل است دقیقا در این نوع نگاه نازل به بدن زن جا میگیرد. شوک شدن و از کوره دررفتن در قبال برهنگی بیشتر انعکاس این احساس منفی به بدن زن است تا

نفرت اسلام سیاسی نسبت به تن زن و اصرار بر اینکه زنان باید پوشیده و پنهان باشند برهنگی را به یک شکل مهم مقاومت و اعتراض عمومی تبدیل میکند. اسلامی ها و جمهوری اسلامی میخواهند ما را از اجتماع حذف کنند. ما امتناع میکنیم.

یک زن عریان آنتی تز زن ایده آل محجبه و فرمانبر است. هرچند اعتراض عریان تنها راه مقاومت در برابر اسلامی ها و حجاب نیست، اما یک شیوه بسیار مدرن، کارا و درخور مقابله با آنهاست. این شیوه اعتراض همچنین تبعیض علیه زنان و کل آن سیستمی را به چالش میکشد که بدن زن را به کالا تبدیل کرده است و آن را سکسوالیزه (sexualised) کرده است.

مخالفتان اعتراض عریان استدلال میکنند که این روش به کالاسازی بدن زن خدمت می کند. این مشکل از مخالفین است که برهنگی را با قباح، پورنو گرافی، ابتذال و فساد یکی می دانند. بدن زن را صرفا در خدمت لذت بصری مردانه میدانند و معترض برهنه را می

دهند. (همین دیدگاه هم مردان را تجاوز گر و عاجز در مهار "شهوت" خود می بیند).

واقعیت و صراحت بدن زن بعنوان يك شکل اعتراض، این تصور منفی (و شیئیت یافته) از زنان را به چالش میکشد، آنرا واژگون میکند و محدودیت های چیزی را که ظاهرا اجتماعا پذیرفته شده است زیر سوال می برد. این اعتراض زیر و رو کننده است و وضع موجود را تهدید میکند.

این اعتراض از پورنوگرافی متفاوت است، چیزی که در خاورمیانه و شمال آفریقا رواج وسیع دارد. در واقع هرچه دخالت مذهب در دولت آشکار تر باشد

ابعاد مختلف اسطوره شکن هستند: فعال، نه منفعل، قوی نه آسیب پذیر، با هم نه منزوی، عمومی نه خصوصی و معمولا خشمگین نه شهوت انگیز. آنچه جرم اخلاقی است زن ستیزی است، نه برهنگی.

اعتراض برهنه زن را در فضای عمومی قابل مشاهده میکند و اینکه چه کسی بر بدن زن کنترل دارد را بازتعریف میکند. این باز پس گیری ابزار است که برای انقیاد استفاده میشود و پافشاری بر این است که بدنهای ما مال خودمان است، نه ملك دیگران، نه ناموس کسی، نه مایه شرم، آبروریزی ملی و غیره.



جامعه مردسالارتر است و پورنوگرافی، آزارهای جنسی، دست درازی به زن و خشونت علیه زنان فراگیرتر و آشکارتر است.

برای همین است که برهنگی بعنوان اعتراض و خارج از محدوده های اجتماعا پذیرفته شده برای زن، یعنی یا تن فروش یا فرمانبردار، تا این درجه خشم برمی انگیزد.

همانطور که ثریا چمالی (نویسنده) میگوید: "وقتی زنان از سکسوالیزه شدن سرباز میزنند و بدن خود را برای به چالش کشیدن منفعت های قدرتمندی استفاده میکنند که از کالا بودن زن سود میبرند. کلماتی که باید استفاده کنیم "هرزه" و "قبیح" نیست بلکه "تهدید کننده" و "ثبات برهم زننده" است. زنانی که برهنگی در ملاء عام را برای ابراز نظر اجتماعی، هنری و اعتراضی استفاده میکنند در

بازپس گیری برهنگی توسط زنان در جایی که بدن زن بعنوان يك سلاح در جنگ و یا در سرکوب مورد سوء استفاده و تجاوز قرار گرفته، معنی خاصی دارد. در ایران، برای مثال، دختران باکره قبل از اعدام مورد تجاوز قرار میگرفتند تا از رفتن آنها به بهشت جلوگیری شود. "گروه مسلح اسلامی" در الجزیره در دهه ۹۰ بعنوان بخشی از کمپین ارباب خود دست به یک سلسه تجاوز عمومی زد. در مقابل، از شبه قاره هند تا آفریقا، برهنگی در مواجهه با نیروهای مسلح و سرکوبگر مورد استفاده قرار گرفته است.

اعتراض عریان به غرب محدود نیست. برخی از مشهورترین نمونه های اعتراض عریان متعلق به جاهای دیگر است. آمینه السبوعی در تونس و عالییه ماجده المهدی در مصر نمونه های آشکاری اند. در چین،

هواداران هنرمند مشهور "آی وی وی" در اعتراض به دولت که این هنرمند را بخاطر عکسهای برهنه خود و چند زن متهم به پورنوگرافی کرده بود، دست به اعتراض عریان زدند. صدها زن در دلتای نیجر در اعتراض به عدم اجرای يك قرارداد توسط شرکت نفتی شل با بالاتنه های عریان اعتراض کردند. سال گذشته در آرژانتین حدود هفت هزار زن که بعضی بالاتنه برهنه داشتند با خواست استقلال زنان به يك کلیسا هجوم بردند. ۱۴ سال پیش در سوازیلند (در آفریقا) زنان در اعتراض به اخراج از خانه هایشان توسط برادر پادشاه اعتراض "باسن های برهنه" برگزار کردند. در ماه مارس گذشته در "اوريسا" در هند تظاهراتی نیمه برهنه از سوی زنان در اعتراض به مناقشات ارضی حول ساختن يك کارخانه فولاد صورت گرفت... اعتراض برهنه در خیلی مناطق برای همه چیز، از مخالفت با جنگ تا حفظ محیط زیست، صورت گرفته است.

یک نتیجه مثبت ضمنی از شکل اعتراض عریان ایجاد نگرشی باز و ریلکس در برخورد به برهنگی است، ولی اعتراض عریان يك ابزار اعتراض سیاسی است که فراتر از موضوع برهنگی میرود. اعتراض عریان تبعیضاتی را به چالش میکشد که عوارض مهمی برای جنبه های دیگر زندگی زنان دارند که غالبا برای کنترل و انقیاد استفاده میشوند. کسانی که میگویند چیزهای مهمتری از اعتراض عریان در مبارزه برای عدالت وجود دارد این واقعیت مهم را نادیده میگیرند. اختیار زن بر بدن خود به معنی این است که او بعنوان يك انسان معین و واقعی و مجزا از مردانی شناخته میشود که "صاحب" او هستند. این به معنی آزادی های بیشتر برای اوست، از جمله آزادی در تحصیل به میل خود، اختیار داشتن شغلی که دوست دارد، دیدار دوستان و آشنایان هر زمان که بخواهد، مسافرت بدون کسب



احکام اعدام در مصر اقدامی تازه علیه انقلاب است! باید در مقابل این تعرض به انقلاب مردم ایستاد!

محسن ابراهیمی

این يك تعرض جدید و يك گام ارتجاعی جدید علیه آمالها و آرزوها و اعتراضات و انقلاب مردم است. اولین حکم اعدام و اولین اعدام در مصر انقلابی - بویژه با اتهام "اخلال در نظم و آرامش و امنییت عمومی" (همان اسم رمز همیشگی طبقات حاکم در مقابل هر انقلابی) - قطعا آخرین حکم و آخرین اعدام نخواهد بود. برعکس، این يك اقدام آگاهانه برای باز کردن مسیر به خون کشیدن سازمان یافته مردم معترض و انقلابی مصر است. هموار کردن راه برای در هم کوبیدن آرزوهای انسانی و نقطه پایان گذاشتن به تلاشها و مبارزات و نهایتا هرگونه تحرك انقلابی در مصر است. باید در مقابل این تحرك ارتجاعی و ضد انسانی طبقه حاکم مصر با تمام قدرت ایستاد.*

۲۶ مارس ۲۰۱۴

مردم معترض مشروعیت ببخشند. میخواهند علیه کل مردم معترض ارباب سیاسی راه بیاندازند. طبقه حاکم مصر با این کار دارد راه باز میکند تا تکلیف خود را با همه آنهايي که برای "نان، آزادی، کرامت انسانی" انقلاب کردند روشن کند. دارد طناب دار به کارگران، جوانان و زنان و مردانی که علیه فساد و نابرابری و دیکتاتوری عصیان کرده اند، نشان میدهد. دارد طناب دار به مردمی نشان میدهد که در وقت خودش هم به ائتلاف ارتش و اخوان المسلمین نه گفتند، هم به محمد مرسى و دولت مرتجعش نه گفتند و امروز همچنان در کشمکش با نظامیان حاکم هستند!

در مقابل این احکام هیئت حاکمه سراپا ضد انقلابی مصر باید ایستاد. نه فقط به خاطر این که اعدام ضد انسانی است، بلکه همچنین به این دلیل که

آرامش و نظم عمومی و تخریب اموال عمومی" (یعنی اختلال در آرامش و امنیت و نظم حاکم) يك گام تازه از طرف نظم سابقها برای حفظ و تثبیت نظم سابق است.

نظامیان حاکم خوب میدانند که خود اخوان المسلمین زمانی میخواست با قدرت تمام اوضاع را به حال عادی برگرداند. میخواست به انقلاب مردم پایان دهد، مردم را خانه نشین کند و نظم و امنیت سرمایه و سرمایه داری را تامین کند و دقیقا به همین دلیل در میان اکثریت عظیم مردم منفور شد و مورد تعرض انقلاب قرار گرفت. اینها دارند دقیقا از این موقعیت استفاده سیاسی میکنند. میخواهند با حکم اعدام به افرادی منسوب به این حزب، حزبی که دیروز در قدرت بود و خود موضوع تعرض انقلاب بود، به اعدام و سرکوب علیه کل

هر نیرنگ سیاسی دست زد تا انقلاب مصر را با حفظ مبارك مهار کند. دستگیریهایی وسیع، شکنجه و کشتار گسترده معترضین و در يك کلام ارباب و وحشت آفرینی اولین و دم دستترین ابزار بود.

از لحظه ای که مبارك زیر امواج قدرتمند انقلاب غرق شد، همان طبقه حاکم این بار در قالب دولتهای موقت رنگارنگ همان شیوه ها را برای مقابله با انقلاب مصر بکار برد. در اولین مرحله، ائتلافی از ارتش و اخوان المسلمین به میدان آمد. دو نیرویی که در حفظ نظم طبقاتی حاکم هم جهت و هم هدف بودند، متحداً تلاش کردند به انقلاب مصر خون بپاشند. در مرحله بعد اخوان المسلمین دست بالا پیدا کرد. محمد مرسى در راس دولت جدید، اختیاراتی بالاتر از مبارك به خود داد تا نقش مشت آهنین در مقابل انقلاب مصر را بازی کند؛ مشتى که البته توسط اعتراض گسترده مردم در هم شکست. و در مرحله بعدتر، نظامیان دست پرورده نظم سابق به رهبری السیسی روی اعتراض میلیونی علیه اخوان المسلمین سوار شدند تا به نام مقابله با ارتجاع اسلامی کل ارتجاع سابق را بازگردانند. در تمام این مراحل، دستگیریهایی گسترده، بساط شکنجه و کشتار خیابانی معترضین هر گز قطع نشد. اما این مهم است که در هیچکدام از این مراحل، حتی در اوج اعتراضات مردمی، هیچکدام از دولتهای سرهم بندی شده جرئت نکردند در چنین ابعادی علیه مخالفین و معترضین حکم اعدام صادر کنند!

صدور حکم اعدام آنها هم در این سطح گسترده و آنها هم به جرم "قتل افسر پلیس، به هم زدن

دادگاهی در مصر برای ۵۲۹ نفر حکم اعدام صادره کرده است. اتهام این محکومین اینها هستند: حمله به ایستگاه پلیس، قتل يك افسر پلس، اقدام به قتل دو پلیس دیگر، به هم زدن آرامش و نظم عمومی و تخریب اموال عمومی! دادگاه ادعا میکند که همه این محکومین اعضای اخوان المسلمین هستند.

قبل از هر چیز باید صراحتاً اعلام کرد که حتی اگر همه این محکومین عضو اخوان المسلمین باشند و جرمشان هم در يك دادگاه عادلانه ثابت شده باشد باز هم حکم اعدام توسط هر دادگاهی در مصر شدیداً محکوم است. هیچ کسی و هیچ نهادی - و با تاکید بیشتر باید گفت که - هیچ دولتی حق ندارد جان انسانها را بگیرد. اعدام ضد انسانی است. اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام شدیداً محکوم است.

احکام اعدام در این کیس مشخص، يك اقدام آگاهانه و حساب شده و سیاسی توسط نظامیان حاکم برای پایان دادن کامل به انقلاب مصر است. اقدامی برای ارباب مردم، وحشت آفرینی و پایان دادن کامل به مبارزه مردم مصر برای نان، آزادی و کرامت انسانی است. این مضمون و هدف سیاسی احکام اعدام مورد بحث است.

لازم است روی همین مضمون و هدف سیاسی تمرکز کنیم:

طبقه حاکم مصر. چه پیش و چه بعد از سقوط مبارك - برای مقابله با انقلاب آرایشهای متنوعی به خود گرفته است:

قبل از سقوط مبارك به هر وسیله سرکوب در دسترس و به

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

مدیای اجتماعی و مدیای رسمی در دو سوی کارزار نجات ریحانه!

مینا احدی در مورد سکوت رسانه های فارسی زبان در رابطه با حکم اعدام ریحانه جباری اطلاعیه افشاگرانه ای منتشر کرده است. در این اطلاعیه گزارش شده که تا کنون ۸۰۰۰۰ نفر طومار اعتراضی علیه حکم اعدام ریحانه را امضا کرده اند و میلیونها نفر از گینه بیسائو تا امریکا، از استرالیا تا چین و ژاپن، از جمهوری چک تا ایران، در جریان این خبر قرار گرفته اند. مینا می پرسد: چرا بی بی سی حرف نمیزند؟ چرا صدای آمریکا پوشش خبری نمیدهد؟ چرا اکثر رسانه ها و یا حتی شخصیت ها و احزاب سیاسی ایرانی تقریباً مهر سکوت سنگینی بر لب زده اند؟ این به چه معناست؟ این سؤال رتوریک است که مینا پاسخش را خوب میداند. خط حاکم بر این رسانه ها خط دو خردادی و استحاله و اصلاح تدریجی رژیم است! اینکه در این سیر تدریجی - که با بالارفتن آمار اعدامها توأم بوده است - صدها و هزاران نفر بیگناه به بالای چوبه دار فرستاده میشوند برای این رسانه های "بیطرف" اهمیت چندانی ندارد. تا آنجا که به چهره های استحاله چی بر میگردد بقول خانم شیرین عبادی نمیخواهند خودشان را با وزارت اطلاعات درگیر کنند! که البته اجتناب از درگیری با نظام جمهوری اسلامی توصیف دقیقتری از موضع کسانی نظیر خانم عبادی است. وظیفه شریف اینان و

همپالکیهایشان در رسانه های رسمی غربی فعلاً حمایت از دولت "تدبیر و امید" با کارنامه ۴ اعدام در روز است و پس!

در برابر این سیاست پرورژی می رسانه های رسمی، موج اعتراض توده مردم شریف دنیا قرار دارد که از طریق و با استفاده از رسانه های اجتماعی صورت میگیرد. جمع آوری هشتاد هزار امضا علیه حکم اعدام ریحانه در عرض ۵ روز و هزاران پیام و کامنت حمایت آمیز در فیس بوک و توییتر و سایتها و بلاگها نشانه آنست که توده مردم آزاده دنیا با اتکا بر اینترنت و تکنولوژی ارتباطات جمعی، انحصار رسانه های سنتی بر افکار عمومی و نشر اخبار و اطلاعات را شکسته اند. مردم برای آگاه و مطلع شدن، برای ارتباط گیری با یکدیگر و برای متحد و همراه شدن و اعتراض کردن نیازی به رسانه های رسمی ندارند. اعتراضات بهم پیوسته بین المللی علیه جنایت جمهوری اسلامی نیز به همین شیوه شکل میگیرد و حکومت سنگسار و اعدام را به عقب نشینی وادار میکند. همین فشار بین المللی بود که سکینه را از سنگسار نجات داد و امروز هم میتواند ریحانه را از اعدام نجات بدهد. نبرد میان مدیای سنتی و اجتماعی، نبرد میان مرگ و زندگی است!*

به گزارش دویچه وله روز سه شنبه ۵ فروردین (۲۵ مارس) در اثر واژگون شدن اتوبوس "راهیان نور" - کاروان بازدید از مناطق جنگی - در استان خوزستان شش دانش آموز پسر کشته و تعدادی نیز مجروح شده اند. این اولین بار نیست که چنین فاجعه ای رخ میدهد. در همین گزارش آمده است که در شش سال اخیر بیش از صد دانش آموز در سلسله تصادفات اتوبوسهای راهیان نور کشته شده اند.

این کشتار کودکان یک فاجعه تماماً ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی است. کودکان را بمنظور "حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس" به بازدید مناطق جنگی بازمانده از جنگ ایران و عراق میبرند و جانشان را بریاد میدهند. گویا کشتار صدها هزار نفر از جوانان و مردم ایران در جنگ با عراق، از جمله کودکانی که کلید بهشت به گردن روی مین ها میفرستادند، کافی نبوده است. گویا محروم کردن کودکان و بخصوص دختر بچه ها از یک زندگی شاد و آزاد، و مغزشوئی مذهبی آنان در مدارس، و کشیدن دیوار آپارتاید

جنسی بین دختران و پسران کافی نبوده است. باید آنها را در تعطیلات نوروزی - که از منبرهای نماز جمعه شان اعلام کرده اند بخاطر ایام حزب فاطمیه نباید شاد باشد - بیدار "دفاع مقدس"، یعنی یکی از فجیع ترین جنایتهای جنگی در تاریخ معاصر ایران ببرند و به ته دره بفرستند!

جنایت و شناخت جمهوری اسلامی حد و مرز ندارد! والدین این کودکان میگویند برای این سفر به زور از ما امضا گرفته اند! زورگوئی، بی حقوقی کودک، بی ارزشی جان انسانها، سلطه مذهب بر سیستم آموزشی و بر ذهن و جان و زندگی کودکان، نا ایمنی جاده ها، نبود امکانات تفریحی برای دانش آموزان، بی مبالائی مقامات و بسیاری از مسائل و مشکلات دیگر مردم را در این فاجعه میتوان مشاهده کرد. اما مساله فراتر از همه اینهاست. مشکل وجود حکومت و نظامی است که موجد همه این دردها و مصائب است. مساله را باید از ریشه حل کرد! باید این حکومت ضد شادی، ضد زندگی، و ضد کودک را بزیر کشید و به زیاله دان تاریخ فرستاد.*

(تا آنجا که ناگزیر شده اند حتی حکم سنگسار سکینه را انکار کنند و در نسخه جدید قانون مجازات اسلامی مساله سنگسار را مسکوت بگذارند) همین موج مخالفت و اعتراض وسیع مردم در ایران و در سراسر دنیا است. اما حکم سنگسار همچنان عملاً و مخفیانه اجرا میشود. اسماعیل فتاحی در پیام هشت مارس خود از دو مورد سنگسار در تبریز نام میبرد:

"متأسفانه یک خبر سنگسار دیگر در تبریز این ماهها توجه همه را بخود جلب کرد، محکومیت به سنگسار زهرا پورساعی و علی ساعی. این حکم با تایید قوه قضاییه روبرو شده و ممکنست هر لحظه اجرا بشود. حکومت اسلامی بدلیل اعتراضات بین المللی ممکنست این دو نفر را مخفیانه سنگسار کند و باید مواظب این واقعه بود و با اعتراضات مانع اجرای حکم شد."

این احکام سنگسار مدتها قبل صادر شده است. کمیته بین المللی علیه سنگسار هشت ماه قبل خبر حکم سنگسار این دو نفر را اعلام کرد و از آن تاریخ فعالیت برای لغو این احکام در دستور کار کمیته بین المللی عیله

مبارزه علیه سنگسار:

نبردی علیه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی!

کارازر جهانی بود تبریک گفت. قدرت و وسعت این کمپین چنان بود که در همین مصاحبه مطبوعاتی لاریجانی ناگزیر میشود اعلام کند که در سال ۲۰۱۰ نظام آنها چهار ماه زیر فشار افکار عمومی بین المللی قرار داشته است.

یک دستاورد این کارزار این بود که سکینه را به چهره و نماد مبارزه علیه قوانین ارتجاعی اسلام بدل کرد. اسماعیل فتاحی فعال کارگری از تبریز در پیامی بمناسبت ۸ مارس امسال اعلام میکند:

"ما فعالین داخل ایران سکینه محمدی آشتیانی را یک سمبل مبارزه با سنگسار و قوانین ضد بشری دین اسلام تلقی میکنیم. این درد یک جامعه است، این فریاد باید به گوش جهانیان برسد." آنچه جمهوری اسلامی را به عقب نشینی واداشته است

یک خبر خوش هفته قبل خبر آزادی سکینه محمدی آشتیانی از زندان بود. به گزارش کمیته بین المللی علیه سنگسار محمد جواد لاریجانی رئیس کمیسیون حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در آخرین کنفرانس مطبوعاتی در سال ۱۳۹۲، اعلام کرد که سکینه محمدی آشتیانی "عفو" شده و اکنون از زندان مرخص شده است. در همین گزارش آمده است که بدنال اعلام خبر عفو سکینه، برخی از رسانه ها از مرضی او صحبت کرده اند. به نظر میرسد این تناقض گوئی برای عقب نشینی آبرومندان و یا احتمالاً مخدوش کردن اذهان صورت میگیرد اما حقیقت ماجرا هر چه باشد یک نکته روشن است. کمپین بین المللی برای آزادی سکینه پیروز شد و این را باید به کمیته بین المللی علیه سنگسار و بخصوص مینا احدی که در راس این

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

کمیته فاسدین برای مبارزه با فساد!

در خبرها بود که دولت برای مبارزه با مفساد اقتصادی کمیته ای تشکیل داده است متشکل از ۸ وزیر (وزیر اطلاعات، وزیر کشور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر نفت، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر دادگستری)، رئیس بانک مرکزی و تعدادی از معاونین رئیس جمهور! اینها قرارست با مفساد اقتصادی مقابله کنند! سران حکومتی که دزدی و ارتشا و ویژه خواری و رانت خواری و بقول خودشان "کاسبی تحریم" از سر و کولش بالا میروند دور هم جمع شده اند که جلوی فساد را بگیرند. اولین اقدام این کمیته علی القاعده باید بازداشت و محاکمه اعضای خودش باشد! *

مبارزه علیه سنگسار:
نبردی علیه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی!

سکینه از سنگسار نجات یافت ولی مبارزه برای لغو مجازات سنگسار هنوز در نیمه راه است. این مبارزه میتواند و باید تا اعلام علنی و رسمی لغو سنگسار در ایران ادامه پیدا کند. این جبهه مهمی از يك مبارزه همه جانبه علیه کل قوانین و سیستم قضائی جنایتکارانه و ضد بشری جمهوری اسلامی است.*

سنگسار قرار دارد. اعتراض به این حکم و يك يك احکام آشکار و پنهان سنگسار جزئی از نبرد برای لغو مجازات سنگسار در ایران است. و فراخوان يك فعال کارگری به اعتراض علیه این احکام بمناسبت هشت مارس خود يك حرکت امید بخش و نشاندهنده بعد وسیع اجتماعی است که این مبارزه در ایران یافته است.

Save 26 year
old Rayhaneh
Jabbari from
being hanged
in Iran

STOP
EXECUTIONS
NOW!

STOP
EXECUTIONS
NOW!

اعدام
نه

اعدام
نه

Demosteration på Lördag 1
April kl.15:00 Sergelstorg-
Stockholm

می توانیم ریخته را نجات دهیم
تظاهرات شنبه اول آوریل استکهلم
سرگستورگ ساعت سه

International Committee against Execution

Email: minaahadi@aol.com Tel: 0049 (0) 1775692413

icae.sweden@gmail.com Tel: 0737896505

نمیخواهند با وزارت اطلاعات درگیر شوند! یک کمپین مهم برای نجات ریحانه و سکوت برخی شخصیت ها و یا احزاب!

ریحانه يك دختر جوان است که از ۱۹ سالگی در زندان بوده است، او يك زن مستقل و با اعتماد به نفس بود که دانشگاه رفته و مشغول کار و زندگی اش بود. يك روز سیاه او در حالیکه با يك نفر دیگر تلفنی در مورد کارش حرف میزد، به دام يك مرد می افتد که قبلا کارمند وزارت اطلاعات بوده است. مرتضی سربندی از شغل ریحانه با گوش دادن به مکالمه این دختر جوان مطلع میشود و نقشه میریزد تا او را به دفتر کارش برده و به او تجاوز کند. مرتضی پزشک است و به ریحانه میگوید میخواهد دکوراسیون دفتر کارش را عوض کند و ریحانه که مردی همسن پدرش را می بیند، برای انجام کار دکوراسیون با او وعده میگذارد. اما چند قدم بعد ماشین مرتضی جلوی پای ریحانه توقف میکند و ریحانه با او در همان روز راهی محل کارش میشود.

در محل کار، مرتضی با وضو گرفتن و بعد از انجام دو رکعت نماز بسوی ریحانه آمده و قصد تجاوز به وی را دارد. او با گره زدن دستانش دور کمر این دختر جوان به ریحانه میگوید دیگر راه فرار نداری. ریحانه از خود دفاع میکند و با چاقویی که بسیاری از دختران و زنان در ایران برای دفاع از خود همراه دارند، به کتف او میزند و فرار میکند.

اکنون او به اتهام قتل عمد دستگیر شده است. در دادگاهی که ابدا بویی از رسیدگی منصفانه به ماجرا در آن نیست، همچون تمام موارد دادگاههای جمهوری اسلامی تصمیم از قبل گرفته شده و حکم از قبل داده شده است. در اینجا يك زن به يك مرد "متعصب و مسلمان" که قبلا همکار وزارت اطلاعات بوده، دست درازی کرده و این برای حاکمیت جمهوری اسلامی يك فاجعه است. با اعدام ریحانه به همه زنانی که چنین

کاری ممکن است بکنند باید درس عبرت بدهند. باید ریحانه را قربانی کرد تا هیچ زن و دختری جرات نکنند روی مردان و بویژه سربازان "امام زمان" و همکاران وزارت اطلاعات دست بلند کند.

نظام و سیستم ضد زن است، نظام و سیستم مدافع مردسالاری و تجاوز به زنان است نظام و سیستم مبلغ تجاوز و بی حرمت کردن زنان است.

قبل از هر دادگاه تصمیم در راهروهای وزارت اطلاعات و دستگاه قضایی گرفته شده است. حکم از اول اعدام است. اکنون باید ریحانه را وادار کنند اعتراف کند. چگونه؟ تنها راهی که وزارت اطلاعات و سیستم قضایی حکومت اسلامی می شناسد، شکنجه است!

يك دختر جوان دانشجو را که در يك روز سیاه مسیر زندگیش عوض شد، چنان بیرحمانه شکنجه میکنند و کتک میزنند که همه چیز را قبول میکند. این روش کار آنها برای درست کردن پرونده ها است.

در دادگاه کذایی حکومت اسلامی، ریحانه بهترین دفاع را از خود میکند. فقط کافی است بگوید، در کجا بدنیا آمده و چگونه زیسته و چگونه حکومتی با قوانین و سنتهای اسلامی، او را به اینجا کشانده است. او کافی است بگوید در ایران زنان چگونه زندگی میکنند و حکومت اسلامی و آخوند و دستگاه تبلیغاتی این رژیم چگونه روزانه علیه زنان سم می پاشد و تبلیغات زهر آگین میکند و فقط کافی است بگوید در زندانهای مخوف این حکومت چه بر سرش آوردند.

شنیدیم که قضات حکومت اسلامی گفته اند: افراد خانواده مقتول همه با چادر و لباس پوشیده آمده اند و پسرش انگشتر عقیق بر دست دارد، پس شاید مقتول قبل

از انجام همخواهی، صیغه خوانده است!

ما امروز در مقابل يك سوال هستیم. ریحانه را میخواهند همین روزها اعدام کنند. خانواده او از ترس اینکه وضع فرزندشان بدتر نشود، در این هفت سال هیچ نگفته اند و موضوع بعد از قطعی شدن حکم و رفتن دستور اعدام به بخش اجرای احکام به بیرون درز کرده. پس وقت کم است و يك زن جوان ۲۶ ساله در معرض اعدام چه میتوان کرد؟

تنها راه نجات، اعتراض عمومی است. باید حکومت را تحت فشار گذاشت این تنها راه است.

کمپینی اعلام شده و يك هفته همبستگی با ریحانه فراخوان داده ایم و از دنیا خواسته ایم کاری کنند جان این دختر جوان را نجات دهیم و دنیا صدای ما را شنیده و طومار اعتراضی ما را لحظه به لحظه از سراسر جهان امضا میکنند. امروز با گذشت ۴۸ ساعت از این فراخوان بیش از ۴۰۰۰ نفر طومار اعتراضی را امضا کرده اند این بسیار خوب است

https://secure.avaaz.org/en/petition/Catherine_Ashton_Ban_K_i_Moon_Ahmad_Shaheed_Save_26_year_old_woman_from_being_hanged_in_Iran/?fgoyhnb

اما از ایران دوستان جوان ریحانه، کسانی که خبر را شنیده و قصد نجات وی را دارند دست بکار شده و به همه جا سر کشیده و نامه نوشته و از همه خواسته اند اعتراض کنند.

این جوانان اما میگویند، بسیاری از شخصیتهای اسم و رسم دار "حقوق بشری" در خارج از ایران بی تفاوت از این فراخوان میگذارد و برخی میگویند ما با وزارت اطلاعات نمیخواهیم درگیر شویم و راهشان را میکشند و میروند. و این نامه از این برای ما

آمده است:

"جانش در خطر است کجا هستید فعالان حقوق بشر، خانم شیرین عبادی کجاست، دکتر لاهیجی کجا است، کو احمد شهید، چرا فقط از حقوق بشر يك اسم باقی مونده چرا حقوق بشر شده دکان و کاسبی برای يك عده چرا هیچ کس حرفی نمیزنه این خانم برای دفاع از حقش در برابر تجاوز محکوم به اعدام شده ... چرا هیچ کس داد نمیزنه آقای نوریزاد که کجایی، روسای احزاب داخل و خارج از کشور کجا هستید؟ من برای تمام دانشجویان و مردم خواهم گفت به جز اندک دلسوزانی هیچ کس به فکر این دختر نیست. من برای فردای ایران خواهم نوشت حقوق بشر دروغی بیش نیست فقط دکان تجاری برای عده ای معلوم الحال است از کسی نام نمیبرم ولی امشب دوستان ما با همه افراد ذینفوذ در داخل و خارج از کشور تماس گرفتند خلاصه کلامشان این بود ما را با وزارت اطلاعات درگیر نکنید! چرا اینقدر ترس در دوستان خارج کشور است نمیدانم البته از امثال ابراهیم نبوی ها توقعی نیست ولی ... بگذریم آی آدم ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید يك نفر در آب دارد می سپارد جان..."

پاسخ من به این دوستان جوان اینست:

هر مورد موفقیت ما در نجات جان انسانها و آخرین مورد آن سکینه محمدی آشتیانی با توسل به مردم دنیا و ایران بوده است. ما باید دست به دست هم داده و کاری کنیم که دنیا صدای ریحانه را بشنود. این امکان پذیر است و میتواند زندگی نجات دهد.

از دانشجویان و دوستان ریحانه در ایران از هنرمندان و دوستان خانواده ریحانه و از همگان در سراسر جهان دعوت میکنیم بهر طریق ممکن به این حکم اعتراض کنند.

از دانشجویان دانشگاه ریحانه و همه دانشجویان و جوانان دعوت میکنم که این خبر را وسیعا پخش کنند، با خانواده ریحانه تماس گرفته و با آنها ابراز همدردی کنند، بگویند که حاضرند، در

صورت لزوم در مقابل زندان، قوه قضاییه و بیت رهبری و یا مجلس تجمع کرده و خواهان لغو این حکم شوند. در فیس بوك و مدیای اجتماعی این اخبار را به اشتراك بگذارید و نشان دهید که جامعه به این موضوع حساس است.

از هنرمندان دعوت میکنم که با برگزاری شب همبستگی با ریحانه و اجرای تئاتر و برنامه های هنری علیه اعدام و در دفاع از ریحانه اقدام کنند.

از همه احزاب ایوبزسیون حکومت اسلامی از نهادهای علیه اعدام دعوت میکنم که فوراً و بهر طریق ممکن علیه حکم اعدام ریحانه عکس العمل نشان دهند. شنبه ۲۲ مارس تا شنبه ۲۹ مارس هفته همبستگی با ریحانه است، دعوت به برگزاری میتینگ اعتراضی در سراسر جهان علیه این حکم اعدام، ساده ترین کاری است که همه احزاب و جریانها در خارج از کشور میتوانند انجام دهند.

این يك نبرد مهم است و نقش و یا سکوت افراد و یا شخصیت ها در این حرکت واضح است. بگذار مردم ایران ببینند چه کسانی در کنار آنها بوده، ضریبان قلب مادر و خواهر ریحانه را درك کردند و به همراه آنها کابوس دیدند و برای نجات جان عزیزان آنها جنگیدند و چه کسانی با بهانه های مختلف، سکوت کرده و در نهایت، دستی تکان داده و برای ما آرزوی موفقیت کردند و یا علیه ما تبلیغات کردند. این هم در تاریخ مبارزه علیه اعدام ثبت خواهد شد.

پیش بسوی سازمان دادن يك حرکت جهانی در دفاع از ریحانه پیش بسوی يك هفته پر از فعالیت و موفقیت در همبستگی با ریحانه جاری مینا احدی ۲۴ مارس ۲۰۱۴

Mina Ahadi
1775692413 (0) 0049
minnaahadi@gmail.com

*
انترناسیونال: تا ساعتی قبل از شروع کار صفحه بندی انترناسیونال بیش از هشتاد هزار نفر طومار حمایت از جان ریحانه را امضا کرده اند.*

نمایش فیلم و پانل در شهر دوسلدرف آلمان در مورد موقعیت زنان در ایران

سخنرانان:

مینا احدی - الکس فویرهرد



یک فیلم از سال ۲۰۱۰ در ایران در مورد صیغه به اسم "بازار جنسیت ها" که کارگردان آن فیلم سودابه مرتضایی است نمایش داده خواهد شد. سودابه در آلمان متولد شده و در اطریش و ایران زندگی کرده است.

Im Bazar der Geschlechter

در پایان نمایش فیلم مینا احدی و الکس فویرهرد در مورد مبارزات زنان و اوضاع سیاسی در ایران بحث خواهند کرد و به سوالات حاضرین پاسخ خواهند داد.

الکس فویرهرد نویسنده کتاب "خیانت به آزادی - خیزش مردم در ایران و پاسخ غرب" به آن است

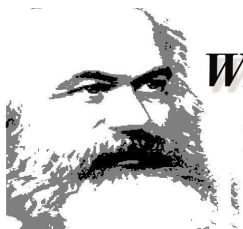
مینا احدی نویسنده کتاب "من از مذهب رویگردانم" و مسئول نهاد اکس مسلم است و علیه سنگسار و اعدام فعالیت میکند. این کنفرانس از طرف بنیاد فریدریش ابرت سازمان داده شده است.

زمان و مکان کنفرانس: ۵ آوریل ۲۰۱۴ ساعت ۰۰:۱۵
Raum (3.26) an der FH Düsseldorf

نهاد اکس مسلم از علاقمندان دعوت میکند در این برنامه حضور بهم رسانند.

نهاد اکس مسلم - آلمان

۲۷ مارس ۲۰۱۴



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

تجمع اعتراضی برای لغو حکم اعدام ریحانه



مehوش علاسوندی چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام، یکی از سخنرانان این تجمع بود. کانادا - تورنتو

چهارشنبه ۲۶ مارس ۲۰۱۴ برابر با ۶ فروردین ۱۳۹۳ در هوایی بسیار سرد که با وزش باد به ۲۵ درجه زیر صفر می رسید، جمعی از مبارزین علیه اعدام از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در شهر تورنتو کانادا در مقابل پلازای ایرانیان به حمایت از کمپین نجات جان ریحانه و به فراخوان نهاد مادران علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه اعدام کانادا جمعی اعتراضی نسبت به این عمل ضد بشری برگزار نمودند.

در این تجمع احزاب، سازمانها و گروه ها و اشخاص مستقل شرکت داشتند که بقرار ذیل در این تجمع سخنرانی کردند.

امیرزاهدی از کمپین بین المللی علیه اعدام کانادا محمود احمدی از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

یدی محمودی از حزب کمونیست کارگری ایران مهوش علاسوندی از نهاد مادران علیه اعدام ایرج رضایی از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا

بیژن فتحی فعال علیه اعدام نام اعضا کمپین نجات ریحانه: مینا احدی - نازنین افشین جم - شبنم اسدالهی - شادی پناه در این گردهم آیی سخنرانان در مورد زندگی نامه ریحانه جباری و وضعیت اعدام در ایران به عنوان حربه ای در دست حاکمیت برای ایجاد رعب و وحشت و کشتار مخالفین رژیم ضد بشری اسلامی و همچنین وضعیت حقوقی پرونده ریحانه که با همین قوانین موجود رژیم نیز نباید او را اعدام نمود سخنانی ایراد شد.

در بخشی از سخنان بیژن فتحی اعدام مرزبان جمشید دانایی فر که بدست گروه تروریستی جیش العدل بوقوع پیوست محکوم شد و تاکید شد که روحانیت شیعه در ایران و طالبان و گروه جیش العدل منتسب به اهل سنت هرکدام روی سکه ای هستند به نام اسلام که با قوانین ضد بشری و متحجر ش ارزشی برای جان انسانها و کرامت انسانی در عمل قائل نبوده و نیست.

تجمع در ساعت ۶ عصر به پایان رسید و تاکید شد که کمپین تا نجات جان ریحانه ادامه خواهد داشت. نهاد مادران علیه اعدام کمیته بین المللی علیه اعدام

شاهرخ زمانی در وضعیت جسمانی نگران کننده ای قرار دارد، وسیعا از او حمایت کنیم

اطلاعیه شماره : ۱۵۰



اعتصاب خود پایان دهد. ما به سهم خود تلاش میکنیم که صدای اعتراض شاهرخ در سطح جهانی باشیم.

شاهرخ زمانی اعلام کرده است که تا زمانی که او را به سالن ۱۲ زندان گوهردشت برنگردانند به اعتصاب غذایش ادامه خواهد داد. شاهرخ نیاز به حمایت و پشتیبانی وسیع ما دارد. اعتراض شاهرخ، اعتراض به فشارهای رژیم اسلامی است. در حمایت از او همبستگی خود را با زندانیان سیاسی اعلام کنیم. شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۷ فروردین ۹۳، ۲۷ مارس ۲۰۱۴
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
<http://free-them-now.blogspot.com>

۱۸ روز است که شاهرخ زمانی به زندان قزل حصار تبعید شده است. در اعتراض به این موضوع او در اعتصاب غذا به سر میبرد. شاهرخ در اعتراض به فشار به زندانیان سیاسی و زندانیان عقیدتی دروازش گنابادی، همراه با این زندانیان قبلاً دست به اعتصاب غذا زده بود و اکنون بیست و یک روز از اعتصاب او میگذرد. بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی او در این مدت ۱۴ کیلو وزن کم کرده است و در وضعیت جسمانی نگران کننده ای بسر میبرد. با حمایت گسترده از او، کاری کنیم که فشار از روی او و سایر زندانیان سیاسی برداشته شود. ضمن اینکه ما بعنوان "کمیته برای آزادی کارگران زندانی" از شاهرخ میخواهیم که به

جانینان اسلامی مانع ادامه معالجه رضا شهابی شدند و دو روز قبل از آغاز سال نوی را از بیمارستان به زندان انتقال دادند

اطلاعیه شماره ۱۵۱



ایام عید مرخصی ندارند. در همین رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی اطلاعیه ای این اقدام خلاف انسانی را محکوم نموده و خواهان حمایت تشکلهای کارگری و نهادهای بین المللی در محکوم کردن این عمل ضد کارگری و در پشتیبانی از خواست آزادی بدون قید و شرط رضا شهابی از زندان شده است.

ما نیز همراه با خانواده رضا شهابی و سندیکای شرکت واحد همگان را به حمایتی گسترده از رضا شهابی و محکوم کردن این عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی در قبال وی و زندانیان دربند فرا میخوانیم.

رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۷ فروردین ۹۳، ۲۷ مارس ۲۰۱۴

جانینان اسلامی ساعت ۵ عصر چهارشنبه ۲۸ اسفند رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد را در حالیکه در بیمارستان بستری بود به زندان اوین انتقال دادند. رضا شهابی در تاریخ ۵ اسفند برای معالجه به بیمارستان منتقل شده بود. انتقال رضا به زندان در حالی صورت میگیرد که پزشکان معالج وی با توجه به وضعیت کمر وی تاکید بر عمل جراحی داشتند. بنا بر خبر در مدت بستری شدن رضا در بیمارستان، او زیر نظر پزشک با انجام آزمایشات و فیزیوتراپی برای عمل جراحی آماده می شد که علیرغم تاکید پزشکان و مراجعات مکرر خانواده وی جهت ادامه مراحل درمانی او، دادستان جمهوری اسلامی اعلام کرد که زندانیان سیاسی در

وقتی زن بودن یک جرم است،

اعتراض عریان یک چالش سیاسی مهم علنی است

اجازه، تماس آزادانه با مردان، حق طلاق و سرپرستی بچه، ازدواج با هرکسی که خود انتخاب میکند، اختیار در انتخاب خداناباوری، سکس داشتن هر زمان که بخواهد، امتناع از سکس وقتی که نخواهد، همینطور حق دسترسی به غذا، پوشاک و بهداشت مستقل از اینکه زن چگونه توسط قیوم مرد و یا جامعه قضاوت میشود. در جامعه‌ای که زنان تا حد بیشتری مالک بدن‌های خود هستند همه چیز، از حجاب تا ختنه زنان، سنگسار و قتل‌های ناموسی، غیر قابل اجرا میشود.

اعتراض عریان به مبارزه برای رهایی زن در یکی از مهمترین میدانهای این نبرد یاری میرساند: بدن او. در عین اینکه ستمکشی زن بطور بنیادی محصول این سیستم اقتصادی و اجتماعی است که از کالا سازی و شیئت بخشیدن به زن و همچنین تقسیم کار جنسی در پروسه تولید نفع میبرد، در همانحال این ستمکشی محصول ارزش‌های مذهبی و سنن و باورهای مردسالارانه است. اعتراض عریان کل این وضع موجود را به چالش میکشد.

آنها که میگویند اعتراض عریان وظیفه کمونیست‌ها و چپ نیست، چیزی از نقش و مسئولیت چپ نمی‌دانند. مبارزه طبقاتی تنها در کارخانه‌ها صورت نمی‌گیرد. کارگران همچنین شامل زنانی میشود با مشکلات پیشمار، که خیلی از آنها به کنترل و ستم بر بدنهای آنها مربوط است. نابرابری علیه زنان از همان سیستمی برمیخیزد که مسئول نابرابری علیه کارگران است.

اگر "آزادی زن معیار آزادی جامعه است"، پس چالش سیاسی توسط اعتراض عریان نیز یک امر

گروه فمن (هر نظری که راجع به آن داشته باشید) اغلب با همین الفاظ مورد تخطئه واقع میشود. شمار نسبتاً کم معترضین عریان از جانب مخالفان برجسته میشود، حال آنکه آنچه مهم است نه تعداد به خودی خود بلکه اهمیت و تاثیر آنهاست. خیلی خواستها و اعتراضات تابو شکنانه توسط يك اقلیت، آوانگاردی که ابتدا راه را کوبیده، مطرح شده و سازمان یافته است. همینطور، در مخالفت با اعتراض عریان، منطقه جغرافیایی و نه سیاست مورد تاکید قرار گرفته است. مثلاً بین اعتراض عریان عالییه در مصر و اعتراض او در استکهلم و یا اعتراض ما در ۸ مارس در پاریس تمایز و تقابل قائل شده اند. عملیات اسلامی ها (درهرجا صورت بگیرد) يك تاثیر جهانی دارد، اعتراض عریان هم همینطور است مستقل از اینکه کجا صورت گرفته باشد. اعتراض عریان ما در پاریس در روز جهانی زن بحث‌های داغی بین ایرانیان از تهران تا لندن برانگیخته است و اسلامی‌ها در کلکته علیه انتشار عکس‌های اعتراض پاریس ما در يك روزنامه محلی آشوب برآه انداختند.

هرچه برهنگی به ما نزدیک‌تر باشد ناهنجارتر میشود. برای خیلی از مصری‌ها عالییه ماجده المهدی کسی قلمداد شد که انقلاب مصر را شرمگین کرد. آئینه‌السنوبی به این متهم شد که جنبش‌هایی زنان تونس را به عقب می‌راند. من به این متهم شده‌ام که جنبش‌هایی زن در ایران را به عقب بر میگردانم و فعالین حقوق زنان ایران را به مخاطره می‌اندازم. هیچ رژیم ارتجاعی محتاج بهانه برای سرکوب و انکار حقوق زنان نیست. این پوچ است که زن ستیزی رژیم اسلامی ایران را گردن‌آنهايي از ما بیندازیم که مقاومت میکنیم. من همچنین به این متهم شده‌ام که مایه شرمساری چپ شده‌ام که ظاهراً با اتهامات گسترده‌تر "بی اخلاقی" روبرو خواهد شد که ناشی از برهنگی من است.

هیچ چیز به اندازه برهنگی، زن ستیزان را از مخفیگاه‌هایشان بیرون نمی‌کشد. این شرم دانستن برهنگی زنان به این معنی است که قواعد معمول تحلیل وقتی که موضوع تجزیه و تحلیل اعتراض سیاسی برهنگی باشد، دیگر صادق نیست. انقلاب اوکراین بخاطر اینکه "سفید" و یا "غریبی" است مورد تخطئه قرار نمی‌گیرد اما

تازگی يك سیاستمدار فرانسوی فراخوان به سانسور يك کتاب بچه‌ها با عنوان "بیایید لخت بشیم" داد که نشان میدهد مردم از همه رقم لباس‌هایشان را در می‌آورند با این هدف که ترس‌های بچه‌ها از بدن خودش مرتفع شود. در تظاهرات عریان ۸ مارس با آمینه و عالییه، تعداد زیادی پلیس آوردند که ما را دستگیر کنند و ما را محاصره کردند. در محل بازداشتگاه پلیس همه مشخصات خصوصی ما و همچنین شعارهایی که در دست داشتیم و یا روی بدنمان نوشته بودیم، شعارهایی که فریاد زدیم و پرچم‌هایی که حمل میکردیم را بدقت یادداشت کردند... ما را چند ساعت نگه داشتند و بخاطر تلف کردن وقت پلیس مورد سرزنش قرار دادند. همه این اهمیت جهانشمولی اعتراض عریان را نشان می‌دهد.

مخالفینی که به برپایی اعتراض عریان در غرب ایراد میگیرند، خطر واقعی‌ای که در جاهایی مثل مصر و تونس وجود دارد را نادیده میگیرند. عالییه و آمینه بهمین خاطر مجبور شدند کشورشان را ترک کنند.

به من انتقاد کرده‌اند که اگر جرئت داری اعتراض ۸ مارس پاریس را در ایران برگزار کن. اگر میتوانستم آنرا در میدان آزادی تهران برگزار میکردم و مثل اعتراض پاریس آن "الله" را از پرچم جمهوری اسلامی ایران می‌بریدم و آلت تناسلی‌ام را جایش می‌گذاشتم (بقول یکی "پوسی رایت" از نوع ایرانی Pussy Riot Iranian Style). اما این مجازاتش مرگ است. این نوع انتقاد مثل این است که به مخالفان سیاسی تبعیدی بگویند که یا سکوت کن یا برو مملکت خودت اعتراض کن، حتی اگر معنی اش مرگ است. این انتقاد اختناق را که خیلی از ما از آن گریخته‌ایم و خطر واقعی‌ای که در هر نوع اعتراض علیه اسلام و اسلام سیاسی نهفته است را نادیده میگیرد، خصوصاً اگر اعتراض عریان باشد، حتی اگر خارج از خاورمیانه و شمال آفریقا صورت بگیرد.

در ضمن مخالفین اعتراض عریان آنرا "اهانت آمیز" و "ناهنجاری فرهنگی" خوانده‌اند، اما هر آنچه که تابوها را میشکند و خواهان تغییرات بنیادی است تعصبات موجود را مورد تعرض قرار میدهد و نسبت به زمانه خویش ناهنجار بنظر خواهد رسید.

با اینهمه اینطور نیست که همه احساس اهانت کرده‌اند. در حالی‌که بسیاری اعتراض عریان را محکوم کرده‌اند، در عوض خیلی‌ها هستند که با حرارت از آن حمایت میکنند. هیچ فرهنگ و جامعه‌ای یکدست نیست. آنهایی که اعتراض عریان را "غریبه" و "ناهنجاری فرهنگی" قلمداد میکنند تنها حساسیت‌ها و ارزش‌های اسلامی‌ها را در نظر میگیرند، نه عقاید و احساسات‌آنهايي را که در مقابل آن ایستاده‌اند. همانطور که مخالفان اعتراض عریان و موافقین حجاب در غرب وجود دارند، در شرق هم مدافعان اعتراض عریان و مخالفان حجاب وجود دارند. در واقع بیشتر مورد دوم صادق است، چرا که مخالفت وسیع علیه اسلام سیاسی و علیه زن ستیزی مذهبی بیشتر از جانب کسانی می‌آید که تحت آن زندگی کرده‌اند، از آن جان سالم بدر برده و در برابرش مقاومت کرده‌اند.

فراخوان برای زنان آزاد، برابر و مستقل در همانحال فراخوانی برای ایران، خاورمیانه و شمال آفریقای آزاد است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون آزادی زنان آزاد شود.

وقتی زن بودن يك جرم است، اعتراض عریان يك چالش سیاسی مهم علنی است. این اعتراض رسا و شفاف اعلام میکند: "دیگر بس است! من برهنه خواهم شد، من اعتراض خواهم کرد و شما را تا اعماق وجودتان به چالش خواهم کشید!"*

(اصل این مقاله به انگلیسی نوشته شده و اینجا به فارسی برگردانده شده است. ممنون از مصطفی صابر و بهرام سروش برای ترجمه و ادیت آن به زبان فارسی.)

تحولات جاری، نیروهای راست و نقش کمونیستها

تحولات جاری باشد بر سر ارزیابی و تبیین این تحولات است. یک برخورد آنست که با مشاهده تحرك نیروهای راست در یک خیزش توده ای پرونده آن حرکت را بعنوان یک جنبش ارتجاعی می بندد و به توده مردم "رهنمود" خانه نشینی میدهد. یک برخورد هم اینست که پشت این خیزشهای توده ای "امیال واقعی طبقات اصلی جامعه" را می بیند و تلاش میکند جنبش و حزب کمونیست کارگری را بعنوان یک نیروی مطرح و قابل انتخاب از جانب توده معترض مردم در دسترس جامعه قرار بدهد. حزب ما جزء دسته دوم است.

اجازه بدهید یک نکته را اینجا روشن کنم: یک جنبش و خیزش بر حق و انقلابی با ترکیب و یا تعداد شرکت کنندگانش مشخص نمیشود. مواردی که نیروها و احزاب

راست توده مردم را از سر تعصبات و تمایلات ناسیونالیستی و مذهبی و نژادی به تحرك واداشته و بجان هم انداخته اند در تاریخ کم نبوده است. تجربه یوگسلاوی و رواندا در دهه نود متاخرترین این نوع تحولات است. خصلت یک تحول و حرکت توده ای بر اساس مضمون و مساله واقعی و عینی که تحرك حول آن شکل گرفته است، حتی اگر توده مردم به آن آگاه نباشند، تعیین میشود. اینجاست که بحران اقتصادی و ریاضت کشی و سفت کردن کمریندها و مصائب ناشی از آن مانند فقر و بیکاری و گرانی و بی تأمین اقتصادی کارگران و توده مردم نقش تعیین کننده ای در تبیین تحولات جاری ایفا میکنند. ما دیگر با روانداها و یوگسلاوی ها مواجه نیستیم بلکه با موارد مشخصی از "شورش گرسنگان" روبروئیم که در همان سال

میکنید. بعنوان مثال اگر کسی از شما بپرسد آیا از انقلاب ۵۷ حمایت میکنید و یا خیر جواب شما نمیتواند یک آری و یا نه ساده باشد. اگر بگوئید حمایت میکنم ممکن است این حمایت را بحساب دفاع از خمینی و "انقلاب اسلامی" بگذارند و اگر بگوئید حمایت نمیکنم ممکن است شما را با طرفداران حکومت شاه اشتباه بگیرند. ناگزیرید توضیح بدهید که از انقلاب مردم یعنی اعتراضات و تظاهرات و اعتصابات و نهایتاً قیام توده های مردم که برای بزیر کشیدن نظام سلطنتی بخیبانها ریختند حمایت میکنید ولی خمینی و اسلاميون را نیروهای ضد انقلاب میدانید که بر این حرکت سوار شدند و آنرا به شکست کشاندند.

در برخورد به انقلابات جاری هم دو قطبی "حمایت میکنید و یا حمایت نمیکند" بیش از حد مساله را ساده و مکانیکی مطرح میکنند و در نتیجه نمیتواند حقیقت تحولات را توضیح بدهد. ما از مبارزات توده ای در مصر، حرکتی که سمبلش میدان التحریر بود، حمایت میکنیم، اما موری و اخوان المسلمین که بجای مبارک بقدرت خزید را بهمان اندازه رژیم سرنگون شده ارتجاعی و ضد مردمی میدانیم. از جنبش تهرمد مردم مصر برای بزیر کشیدن اخوان المسلمین حمایت میکنیم اما بهمان اندازه با دولت ارتشی که جای او را گرفت مخالفیم. این صرفاً یک نوع موضعگیری و مرزبندی نیست بلکه بیانگر ارزیابی ما از سیر واقعی مبارزه

طبقاتی در مصر و نحوه ای است که این تحولات را تبیین میکنیم و توضیح میدهم. از اینجا اهمیت این موضعگیریها از جانب کمونیستهای که عرصه فعالیتشان کشورهای دیگری است نیز روشن میشود. پاسیفیسم و یا اکتیویسم یک حزب در نفس تبیین و توضیحی که از تحولات بدست میدهد مستتر است و لذا مستقل از نقش عملی آن حزب در یک تحول معین، در موقعیت عینی آن حزب در جامعه حیطه فعالیتش مستقیماً تاثیر میگذارد. نیروی که تحولات لیبی و مصر و یا اوکراین را بحساب نیروهای راست، اسلاميون و فاشیستها و دولتهای امپریالیستی و غیره میگذارد، با همین شیوه و متد به سراغ تحولات در ایران هم خواهد رفت. فراخوان خانه نشینی به مردم اوکراین به مردم ایران نیز این پیام را میدهد که در صورت میداندار شدن نیروهای راست صحنه را ترک کنید. عکس قضیه نیز صادق است. نیروهای که در خیزش انقلابی ۸۸ به مردم "رهنمود" دادند که به خانه بروند در مورد لیبی و اوکراین هم همین شیوه را در پیش گرفتند. بنابراین برای حزبی مثل ما اهمیت بدست دادن یک تبیین فعال و دخالتگر و تعرضی و رادیکال از تحولات کشورهای دیگر در نقش و تاثیر آن در جامعه ایران و برای توده مردم و کارگران و مردم معترض در ایران است. ما بر خصلت مترقی و آزادابخواهانه و برحق این تحولات تاکید میکنیم و شکست آنها را بحساب مردم و

یا ماهیت و خصلت این حرکتها توده ای نمی نویسم، بلکه ناشی از یک تاز شدن نیروهای راست در غیاب حضور و فعالیت یک نیروی کمونیست و انقلابی میدانیم، نتیجه مستقیم این تبیین حتی اگر فراخوان عملی مشخصی از آن نتیجه نگیرید بروشنی اینست: برای تغییر وضع موجود باید نظیر مردم مصر و تونس و لیبی و سوریه اوکراین بخیبانها ریخت و برای به پیروزی رساندن مبارزه باید در برابر نیروهای راست ایستاد و حول سیاستهای نیروهای کمونیست و انقلابی گرد آمد. همانطور که گفتم پاسیفیسم و یا اکتیویسم یک نیروی سیاسی در تبیین و ارزیابی از تحولات مستتر است. این را توده مردم میبینند و تشخیص میدهند و بر اساس آن تصمیم میگیرند و انتخاب سیاسی میکنند.

انترناسیونال: هیچیک از انقلابات اخیر به پیروزی نرسید و جنبش اشغال هم مدت کوتاهی درخشید و فرونشست. ممکن است بعضی به این نتیجه برسند که حمایت از این تحولات و یا انقلاب نامیدن آنها موصع درستی نبوده است و حتی اگر نیروی در آغاز از این حرکتها حمایت میکرده است امروز باید متوجه شده باشد که این تحولات قابل حمایت نبوده است. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: اولین نکته در این نوع ارزیابی دید فاتالیستی و غایتگرایانه ای است که موضعگیری در مورد یک تحول را به نتیجه آن موکول

ادامه صفحه ۱۱

به حزب کمونیست کارگری

ایران بپیوندید!

تحولات جاری، نیروهای راست و نقش کمونیستها

میکنند. "انقلابات شکست خورده پس حمایت از آنها از ابتدا درست نبوده است!" این ممکن است برای تاریخ نویسان و آکادمیسینهای مفسر تاریخ شیوه مناسبی باشد ولی به کار احزاب و نیروهائی که خود در تحولات نقش دارند و یا میخواهند نقش ایفا کنند نمی آید. روشن است که عاملی که خود در روند يك تحول نقش دارد نمیتواند ایفای نقش خود را به نتیجه آن گره بزند. برخورد ایدئولوژیک و پاسیو و ناظر و مفسر حوادث بودن ذاتی این شیوه برخورد و جزء لایتجزای آنست.

با این شیوه نه تنها از انقلاب ۵۷ بلکه از انقلاب اکتبر نیز نیباید حمایت میکردیم و یا اگر در مقطعی که هنوز شکست این حرکتها مسجل نشده بود دفاع از آنها موضوعیتی داشت امروز باید از حمایت خود دست بر میداشتیم. این سر و ته دیدن تاریخ تنها میتواند شیوه ناظرین حواث باشد و نه عاملین و شکل دهندگان به حوادث.

اما نکته مهم تر آنستکه يك انقلاب و خیزش توده ای را فقط با شکست و یا پیروزی آن نمیتوان ارزیابی کرد. معیار ما کمونیستها اینست که بعد از و در نتیجه هر تحولی تا چه حد شرایط مبارزه طبقاتی به نفع و یا به ضرر طبقه کارگر و توده مردم همسرنوشت با او (نود و نه درصدیها) تغییر کرده است. با این معیار انقلاب مصر چه دیروز و چه امروز به حق و قابل حمایت است چرا که گرچه انقلاب پیروز نشد ولی از مقطع اشغال التحریر تا به امروز شرایط برای عرض اندام طبقه کارگر و توده های مردم مصر بمراتب مساعد تر شده است. انقلاب مصر يك دستگاہ سرکوب و اختناق چند دهه ای را در هم شکست و برای بورژوازی

مصر احیای شرایط دوره مبارک دیگر بسادگی ممکن نیست. این شرایطی است که کمونیستها و نیروهای انقلابی و آزادیخواه میتوانند رشد کنند و نیرو بگیرند و به يك فاکتور سیاسی مطرح و تاثیرگذار در تحولات سیاسی مصر تبدیل بشوند. در مورد تونس و لیبی نیز عینا همین امر صادق است.

انترناسیونال: در صورت برآمد يك جنبش توده ای دیگر در ایران وظیفه کمونیستها چیست؟ کلا جنبشهای اعتراضی چه ویژگی باید داشته باشند تا حزب کمونیست کارگری از آن حمایت کند و در آن دخالت نماید؟

حمید تقوائی: همانطور که توضیح دادم معیار ما در برخورد به يك تحول موضوع و مساله عینی ای است که باعث شکلگیری آن تحول معین شده است. مثلا همین امروز در ایران جنبشهای اجتماعی وسیعی علیه اعدام، علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای افزایش دستمزدها، در دفاع از حقوق کودکان، در دفاع از حقوق پناهندگان و غیره وجود دارد. حزب ما نه تنها در این مبارزات فعالانه دخالت میکنند بلکه در شکلهی به آنها نقش فعالی ایفا کرده است (در این مورد رجوع کنید به میزگرد در مورد مبارزات اجتماعی و دخالتگری کمونیستی در انترناسیونال هفته قبل).

در مورد جنبشهای توده ای نظیر خیزش انقلاب ۸۸ نیز ما وظیفه خود را شرکت و دخالتگری فعال در این مبارزات میدانیم. همانطور که توضیح دادم علی الاصول این کاملاً ممکن است که نیروهای راست توده های مردم را از سر تعصبات مذهبی و قومی و نژادی شان به حرکت در آورند ولی عملاً در شرایط امروز

ایران، دقیقاً بخاطر وجود جنبشهای اعتراضی بر حقی که اشاره کردم و نقش نهادها و فعالین آزادیخواه و مترقی و فضای و گفتمانی اعتراضی که در کل جامعه وجود دارد، چنین احتمالی بسیار ضعیف است. البته در این تردیدی نیست که در حرکتها اعتراضی توده ای احزاب و نیروهای راست بیکار نخواهند نشست و با تمام قوا برای به تحریف و به شکست کشاندن مبارزات مردم وارد عمل خواهند شد اما این تنها اهمیت دخالتگری و ایفای نقش حزبی مثل ما را صد چندان میکند. به نظر من هر اندازه نیروهای راست و دولتهای بورژوازی در حرکات توده ای فعال تر باشند، به همان میزان ضرورت دخالتگری حزب ما بیشتر و تعیین کننده تر میشود. اما ما برای ایفای این نقش منتظر حوادث ننشسته ایم. هر نیروی انقلابی که بخواهد در يك خیزش توده ای نقش موثری ایفا کند باید از مدتها قبل در اعتراضات و مبارزات مردم نقش فعالی داشته باشد. فعالیت امروز حزب ما در عرصه های مختلف اعتراض و مبارزه، زمینه ساز نقش و موقعیت فردای حزب در تحولات انقلابی است. ما میخواهیم کمونیسم کارگری را به يك آلترناتیو مورد اعتماد و در دسترس و قابل انتخاب برای توده های مردم تبدیل کنیم و این يك جزء همیشگی هر تاکتیک و اتخاذ موضع و عملکرد حزب ما در عرصه های مختلف مبارزه و در جنبش های اعتراضی جاری است. مدال رهبری در انقلاب را با ادعا و یا موضعگیریهای منزله طلبانه به سینه کسی نمینزند.

این موقعیت را باید با دخالتگری و پراتیک مبارزاتی پیگیر علیه همه مصائب و نابرابریها و سرکوبگریها و بیحقوقیها عملاً بدست آورد. این چراغ راهنمای حزب ما در در برخورد به مبارزات و جنبشهای جاری در ایران و در سراسر جهان است.*

آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه.

لغو هر نوع ارجاع به قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم.

ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

از برنامه حزب کمونیست کارگری بخش "حقوق و آزادی های فردی و مدنی"

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود